

## تشدید جنگ به نفع امپریالیسم و بزبان مردم میهن ماست

پس از آزاد شدن مناطق اشغالی، حزب ما با در نظر گرفتن توطئه امپریالیسم که هدف آن وارد آوردن ضربه به انقلاب بهمن ۵۷ و جلوگیری از تحقق آماج های ضد امپریالیستی و مردمی و کشاندن انقلاب به بیراهه به دست نیروهای ارتجاعی در حاکمیت و عمال و دست نشاندهگان خود بود و نیز با توجه به مصالح عالی خلق و میهن، به درستی خواهان پایان دادن فوری به جنگ شد. توجه به این پیشنهاد حزب ما با در نظر گرفتن سردرگمی نیروهای متجاوز در آن برصه از زمان می توانست به سود مردم میهن ما تمام شود. اما، سران جمهوری اسلامی که سیاست ضد خلقی " صدور انقلاب اسلامی " را تعقیب بقیه در ص ۲

با تشدید جنگ ایران و عراق، خطر گسترش آن در آینده نیز افزایش می یابد. حزب توده ایران پس از آغاز جدی که محصول ابتکار توطئه امپریالیسم امریکا بود، موضع صحیح و روشن خود را اعلام کرد. حزب توده ایران پناه به خصلت عمیقاً میهن پرستانه اش، اعضا و هواداران خود را موظف کرد تا برای دفاع از میهن به صفوف نیروهای مسلح به پیوندند. فداکاری ها و جانپازی های اعضا و هواداران حزب ما در دفاع از سرزمین ابا و اجدادی خود بر کسی پوشیده نیست. حزب توده ایران همراه با دیگر نیروهای مترقی در پیرون راندن نیروهای متجاوز از مناطق اشغالی قربانی های فراوانی داده است.



شماره ۹۰ دوره هشتم سال دوم پنجشنبه ۱ اسفند ۱۳۶۴ بهاء ۲۰ ریال

## برای حفظ خصلت پرولتری حزب

سوسیالیسم علمی برداشته و نسلی از کمونیست های وفادار و مبارز را تربیت کرده که با فداکاری و از جان گذشتگی بی نظیر در راه دفاع از منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان مبارزه کرده و می کنند. ولی این نیز مسلم است که عده ای، گرچه انگشت شمار، در درون حزب بوده اند که از انحرافات "چپ" و راست مسمون نماندند. بودند افرادی که از پشت به حزب خنجر زدند و پشت به آرمان طبقه کارگر کردند. سرنوشت آنها برای احدی پوشیده نیست. آنها در صف واحدی با دشمنان سوگند خورده طبقه کارگر علیه حزب ما لجن پراکنی کردند و امروز هم به این عمل ناپسند خود ادامه می دهند.

آنچه در این میان حائز اهمیت است، اکثریت قاطع اعضا و هواداران حزب هستند که در سخت ترین شرایط به پیکار بی امان برای نجات زحمتکشان از چنگال زلواهای اجتماعی ادامه می دهند. میهن دوستی، فداکاری تا سرحد شهادت، آمادگی تزلزل ناپذیر برای اجراء وظایف حزبی در محیط ترور و اختناق، اصولیت و ... از ویژگی های اکثریت قاطع توده ای ها بوده، هست و خواهد بود.

تربیتی مبارزه، از هر توده ای طلب می کند تا در بالا بردن سطح دانش مارکسیستی - لنینیستی خود کوشا باشد. آموزش تئوری برای انطباق خلق و بی خدشه آن بر شرایط کشور، مانند هوا برای نفس کشیدن، برای ما لازم است. شعور طبقاتی ما در مبارزه روزانه، در کار زنده حزبی (صرف نظر از شکل آن) و نیز آمادگی سیاسی - تئوریک می تواند بی وقفه رشد یابد. فقط در این صورت است که می توان پایه های حزب را از لحاظ سیاسی، تئوری و سازمانی، در مجموع خود تحکیم کرد و به انسجام و وحدت کامل درونی دست یافت. این سه عنصر دارای ارتباط ناگسستگی هستند و یکی از دیگری جدا نیست.

فعالیت حزب بستگی به خط مشی سیاسی آن بقیه در ص ۲

یکی از وظایف اساسی که در برابر فرد - اعضا و هواداران حزب قرار دارد، حفظ خصلت پرولتری حزب است. این خصلت در درجه اول در دفاع مستمر از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، در پایبندی و وفاداری به تئوری انقلابی حزب و انطباق خلق آن بر شرایط اجتماعی - اقتصادی و آرایش طبقاتی جامعه، تعیین دقیق خط مشی سیاسی حزب و ... تجلی می کند. تحکیم ارتباط حزب با توده های زحمتکش و تالیف منطقی میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری از جمله دیگر عوامل موثر در حفظ خصلت پرولتری حزب بشمار می روند.

چنین است نکات عمده و تعیین کننده خصلت پرولتری حزب که به طور مشخص در عرصه های سیاسی، ایدئولوژی و سازمانی در ارتباط با وظایف هر مرحله از مبارزه، تظاهر می کند. کار آموزشی و تربیتی حزب به مثابه یکی از وظایف حاد روز نیز از این موضع نشات می گیرد و هدف آن بالا بردن شعور پرولتری در حزب است.

باید نظر گرفتن این که پاره ای نظرات خرده بورژوازی هنوز هم به این یا آن طریق، در احزاب کمونیستی و کارگری پروژ می کند، می توان گفت که دستیابی به این هدف، نیازمند کار پیگیر و مستمر در درون حزب است. زیرا این روند به انواع گوناگون تظاهر می کند: در تمایلات سیاسی "چپ روانه" یا انحراف به راست، در فردگرایی، و در عرصه تئوری به صورت ذهنی گری.

برای حفظ خصلت پرولتری حزب کار مستمر آموزشی - تربیتی به قصد تعقیق شعور طبقاتی برپایه جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی و انترناسیونالیسم پرولتری و نیز مبارزه سرسخت و پیگیر علیه هرگونه مظاهر ایدئولوژی خرده بورژوازی، ضرورت حاد دارد.

حزب ما می تواند افتخار کند که طی بیش از ۴۴ سال فعالیت دشوار کام عظیمی در راه ترویج

## نکاتی پیرامون سه مقوله انترناسیونالیسم، ملی، بین المللی

ص ۴

## ده گل سرخ پشمرده ناشدنی

اینک دو سال از آن سپیده دم خونین می گذرد. هنگامی که ده تن از مبارزان توده ای سرشار از امید و شور و پاکتی در برابر جوخه تیرباران قرار گرفتند و بر شقایق زار حزب توده ایران گل های دیگری نشانند. رژیم جنایت پیشه ج.ا. که از محبوبیت روزافزون حزب ما در میان توده های زحمتکشان به هراس افتاده بود، در ورطه خیانت به آرمان های انقلاب کسانی را به بهانه های ناروا و واهی محکوم به مرگ کرد که در زمره مردان قهرمان انقلاب بودند. رفقا: ناخدا یکم بهرام افشاری، سرهنگ هوشنگ عطاریان، سرهنگ بیژن کبیری، سرهنگ حسن آذرقر، شاهرخ جهانگیری، محمد بهرامی نژاد، ابرو فضل بهرامی نژاد، خسرو لطفی، غلامرضا خاضعی و فرزند جهاد گفاهی جز دفاع از منافع زحمتکشان، مبارزه علیه امپریالیسم و دست نشاندهگان مرتجع آن نداشتند. آنها در جریان یورش سرتاسری به بقیه در ص ۲

## درود بر

## گل سرخی و دانشیان

سپیده دم بهمن ۱۳۵۲، دو دلار انقلابی، دو پیشاز مبارزه توده ها، رفقا خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان در برابر جوخه تیرباران قرار گرفتند. رژیم جنایت کارشاه - ساواک که در نمایش خبیث شب بازی محاکمه این رفقا دچار شکست شده بود دست به اقدام انتقام جویانه زد و آنها را به مرگ محکوم کرد. در حالی که اکثریت توده های عظیم مردم از این جنایت فجیع خشمگین شده بودند. رفقا گل سرخی و دانشیان در جریان دادگاه فرمایشی چنان حماسه ای بقیه در ص ۲

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!



### تشدید جنگ به نفع امپریالیسم

تشدید جنگ به نفع امپریالیسم می کردند، به قصد تحمیل حکومت دلخواه خود به مردم عراق پیشنهاد منطقی ما را تخطئه کرده و به پرونده سازی علیه حزب توده ایران پرداختند. این توطئه منجر به یورش وحشیانه به حزب و گرفتاری و قتل و شکنجه و سرگردانی هزاران توده ای شد.

ما بلافاصله پس از بیرون رانده شدن نیروهای مهاجم عراقی، صریحا اعلام کردیم که جنگ میان ایران و عراق نمی تواند به شکست قطعی یکی از طرفین منحصرا پایان یابد. این جنگ در بهترین حالت به جنگ فرسایشی مبدل خواهد شد و در این میان تنها برندگان آن آتش فروزان اصلی جنگ، یعنی امپریالیسم جنایت پیشه آمریکا و متحدین آن در ناتو خواهند بود. ما گفتیم که ادامه جنگ خسارت های جانی و مالی عظیمی بر دو خلق همسایه ایران و عراق وارد خواهد کرد.

گذشت زمان پیش بینی های حزب ما را به ثبوت رساند. ۷۰۰ هزار تن کشته و معلول ده ها شهر و روستا و موسسه صنعتی مخروبه، میلیونها انسان آواره، مسلط شدن ارتجاعیترین عناصر در حاکمیت، جلوگیری از تحقق امواج های مردمی انقلاب، تورم، گرانی، بیکاری، فقر و فلاکت، محصور سیاست ضد خلقی " جنگ، جنگ تا پیروزی" سران جمهوری اسلامی در ششمین سال ادامه جنگ است.

در حال حاضر جنگ نصف بودجه کشور را مستقیم و یا غیر مستقیم می بلعد. با تزلزل قیمت نفت خام از ۲۵ دلار در سال ۱۳۶۰ به ۱۸ دلار در هریشکه در سال جاری و مالا کاهش بیش از حد درآمد نفت که یگانه منبع تامین مایحتاج روزمره زندگی مردم و نیز تنها منبع تامین هزینه سرسام آور جنگ خائنانه سوز و بی حاصل است، بحران اقتصادی و مالی بیش از پیش تشدید خواهد شد و بار آن در درجه اول به دوش میلیون ها ایرانی سنگینی خواهد کرد.

ادامه جنگ، شرایط تحکیم مواضع امپریالیسم آمریکا و متحدانش در منطقه خاور میانه و نزدیک را فراهم آورده و حضور نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس را شدت بخشیده است. حضور ناوگان نظامی آمریکا و نیز نیروهای به

اصطلاح اقدام سریع و " فرمانده مرکزی" با هدف مقابله با هرگونه نهضت رهایی بخش ملی و ضد امپریالیستی، خطر بزرگی برای استقلال و تمامیت ارضی میهن ما و دیگر کشورهای منطقه بشمار می رود.

تشدید جنگ که با حمله به اصطلاح " والفجره" آغاز شده و طبق اطلاع خبرگزاری های جهان، تلفات سنگین جانی به هردو طرف وارد آورده، بحران در منطقه را وارد مرحله بسیار خطرناکی کرده است.

ایجاد کانون های جنگ محلی و گسترش آنها، بی ستون استراتژی امپریالیسم تجاوزکار آمریکا را در جهان تشکیل می دهد. اگر جنگ های محلی ادامه پیدا کنند، سرانجام می توانند سراسر این یا آن منطقه را فراگیرند و در آخرین تحلیل صلح و امنیت جهانی را به مخاطره اندازند؛ هدفی که امپریالیسم جهانی تعقیب می کند.

چنین مرحله ای با آغاز عملیات " والفجره" در منطقه ما فرارسیده است. وعده کمک به عراق از جانب برخی کشورهای عربی، خواست تشکیل قوری شورای امنیت سازمان ملل متحد و اظهارات سخن گوی کاخ سفید دایر به " تهدید منافع آمریکا و متحدانش " در منطقه با تشدید جنگ، گویای این حقیقت است.

سران رژیم با تخطئه پیشنهاد حزب توده ایران دایر به پایان دادن به جنگ پس از بیرون راندن نیروهای مهاجم که فرصت ذیقیمتی برای برآورده ساختن خواست های ایران بوده بزرگترین خیانت را نسبت به مصالح ملی ما مرتکب شدند. ادامه جنگ و احتمال گسترش آن در منطقه خیانت دیگر هیئت حاکمه است که باید با استفاده از کلیه امکانات از آن جلوگیری کرد.

ما بار دیگر اعلام می کنیم که ادامه جنگ به هر بهانه ای، جز کشتار و تخریب و تضعیف دو کشور همسایه و تقویت هرچه بیشتر مواضع امپریالیسم پی آمدی نخواهد داشت.

به این جنگ هستی سوز و بی حاصل باید پایان داد. این نیز بدون مبارزه موثر و پی گیر امکان پذیر نیست. وقت آن فرارسیده تا نیروهای ملی و مترقی خواهان پایان دادن به جنگ و تامین صلح عادلانه زبان مشترک پیدا کنند و همه توان خود را برای هدایت مبارزه متشکل توده ها بکار گیرند. کمیته مرکزی حزب توده ایران ۲۵ بهمن ۶۶

### برای حفظ خصلت

دارد که منعکس کننده خصلت مارکسیستی - لنینیستی آن است. خط مشی سیاسی باید وظایف و هدف های دور و نزدیک حزب را صریح و روشن تعیین کند. فعالیت سازمانی و ایدئولوژیک حزب که دارای اهمیت فوق العاده ای است، نه تنها به تعیین خط مشی سیاسی کمک می کند، بلکه در عین حال تامین کننده اجرای آن نیز هست. جدا کردن کار سازمانی از کار ایدئولوژیک و این دو از خط مشی سیاسی اشتباه نابخشودنی است. مجموعه این فعالیت ها باید طوری سازمان داده شود که حزب طبقه کارگر برای دستیابی به اتحاد سیاسی و تقاضا با نیروهای اجتماعی گوناگون، بدون از دست دادن استقلال طبقاتی و انحراف از هدف های استراتژیک خود، آمادگی کامل داشته باشد.

به بیان دیگر، برای تغییر تناسب نیروها در جامعه به سود طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان باید با تمام قوا در تحکیم و تقویت حزب بکوشیم. در برابر حزب ما وظایف دشوار شرکت همه جانبه در نبرد ناپراهر در کلیه عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک قرار دارد. حزب ما باید به مثابه سازمان دهنده مبارزه بوده های زحمتکش به عنوان مبلغ و مروج در کلیه جبهه ها حضور داشته باشد. اعضا و هواداران حزب توده ایران باید در تحقق خواست های زحمتکشان دوشادوش آنان و در صف مقدم مبارزه قرار گیرند، خط مشی سیاسی و برنامه حزب را در مقیاس گسترده تبلیغ کنند و مواضع دشمنان طبقاتی را زیر آتش مستمر افشاکاری بگیرند و آنی از نظر دور ندارند که مبارزه ما در آخرین تحلیل عبارت است از دستیابی به حاکمیت سیاسی، حاکمیتی که از درون خلق سرچشمه می گیرد و برای خدمت به خلق خواهد بود.

### ده گل سرخ پشورده ناشدنی

حزب توده ایران دستگیر شده بودند و ماه ها زیر شکنجه های سخت قرار گرفته بودند، اما مرکز به آرمان های خود پشت نکردند. سران ج.ا. و حاکمان " شرع " برای فرونشاندن کینه ضد توده ای خود دست به خون آنها آوردند، جنایتی که توده های زحمتکش هرگز آن را فراموش نخواهند کرد. این رفقای شهید توده ای در طول دوران زندگی پرافتخار مبارزاتی خود دست به جانبازی ها و فداکاری های بزرگی زدند. آنها در کشف توطئه های ضد انقلاب، بیرون راندن متجاوز از کشور، دفاع از آزادی و پشتیبانی از خواست های برحق زحمتکشان از بذل هیچ تلاشی فریرگذار نکردند. آنها فاتحان جبهه های جنگ و فاتحان قلب مردم بودند. این گل های سرخ جنبش توده ای هرگز پژمرده نخواهند شد و خون جوشان آنها در کنار هزاران شهید دیگر انقلاب طومار زندگی نامردمان ج.ا. را درخشان خواهد پیچید. یادشان گرامی باد و راهشان پر رهرو باد!

جامعه ما به حدی بود که بسیاری از دانش آموزان مدارس ابتدائی با تقلید از آنها احساس غرور و افتخار می کردند.

پس از پیروزی انقلاب، دیری نگذشت که رژیم ضد خلقی ج.ا. نیز دست به تخطئه مبارزات این قهرمانان خلق زد. اما توده های مردم یاد آنها را گرامی داشتند و خسرو و کرامت به مثابه دوتن از پیشروان جنبش انقلابی کشور و ادامه دهندگان راه وارطان و روزبه و آرانی برای همیشه جاودان ماندند. دیگر بار یادشان را گرامی می داریم.

### درد بر گل سرخی و دانشیان

افریدند که شعله های آن قبل از هر چیز دامان رژیم را سوزاند. مشت گره شده خسرو و صدای آرام و متین کرامت لرزه بر پشت چنای تکارانی افکند که در هیئت " دادستان " و دیگر کارگزاران رژیم به محاکمه فرزندان خلق دست زده بودند. خسرو و کرامت از خود دفاع نکردند، بلکه از آرانی ها، روزبه ها، وارطان ما سخن گفتند و به دفاع از آرمان های توده ها پرداختند. تاثیر شهادت حماسه وار خسرو و کرامت در



## در حرف حمایت از کارگران

## در عمل

## سیاست ضد کارگری

کارخانه "پشمباف تهران" از جمله واحدهای تولیدی است که ماههای متمادی به "برکت" سیاست و قوانین عمیقاً ارتجاعی رژیم ج.ا.و از رده خارج شده است و کارگران آن با نکبت و فقر دست به کربانند. این کارخانه نه اولین و نه آخرین کارخانه‌ای است که تعطیل می‌شود و کارگران آن نیز تنها جزء کوچکی از میلیون‌ها زحمتکشی هستند که در بدترین شرایط به سر می‌برند.

گزارش‌های ناقص و سانسور شده معدود روزنامه‌های مجاز رژیم در مورد کارخانه مزبور گوشه‌ای از عملکردهای رژیم را در زمینه مسائل کار و کارگری افشاء می‌کند.

شخصی به نام "فروتن" این کارخانه را در سال ۶۰ به مبلغ ۱۴/۵ میلیون تومان خریداری کرده است. این کارخانه که ماده اولیه مورد نیاز آن الیاف است، روزانه سه تن نخ و ۵۰۰ تخته پتو تولید می‌کند. با توجه به هرج و مرج موجود در زمینه توزیع و پخش و با در نظر گرفتن صعود سرسام آور و بی‌وقفه قیمت‌ها در بازار امروز ایران، محاسبه تقریبی فروش و سود حاصل چندان مشکل نیست. با این حال صاحب - بی شک "متعهد" و "مکتبی" - کارخانه ادعا می‌کند که با پدیده و نبودن مواد اولیه روبروست. نتیجه آن که از اوائل سال جاری کارخانه مزبور به حال تعطیل درآمده و کارگران نیز به حال خود رها شده‌اند. اظهارات قبیحی شده کارگران، در اطلاعات، ۱۴ مهرماه ۱۳۶۴، آن چنان تکان دهنده و اذیت‌آور است که نیازی به تفسیر ندارد. آنان پس از سال‌ها کار در این کارخانه، از اوائل سال جاری تاکنون حقوق ناچیز خود را دریافت نکرده‌اند و در این مدت هرچه داشته‌اند از دست داده‌اند و اینک تهنی دست و زندگی باخته، می‌پرسند:

"حالا چکار کنم؟ گدایی؟ قاچاق فروشی؟ دزدی؟ آخر تکلیف ما چیست؟ الان دیگر هیچ چیزی ندارم که بفروشم. شما می‌گوئید دیگر چطوری تحمل کنم؟"

در پاسخ به کارگران "کارخانه پشمباف تهران" و دیگر کارگران در سراسر کشور باید گفت: تنها راه تشکل در سازمان‌های صنفی و سیاسی طبقه کارگر و مبارزه در راه احقاق حقوق طبیعی همه زحمتکشان همین است. مدعی که رژیم‌های نامردمی هرگز بدان رضایت نمی‌دهند.

## کاروان جرس‌ها

سلام ای قدیمی

هماوار کلگون

گل سرخ غلتیده در خون

من از مطلع زخم‌های تو

نشأت گرفتم

من از خون و فواره

- از باروان بلا دیده

از پال کلگون سنگر

من از کاکل ارغوان تو

سرشاری آغاز کردم

چه بسیار بگذشته آن روزگاران

بلندای هجرت

برآمد ز ژرفای هجران

تفت دشت خونبار،

به میدان تیغ بلا شد

غمت سایه ساران اندوه

به بالای خورشید با بونه‌ها شد

چه تلخ است گاه جدائی

به بالای هر کوه و اعماق هر دره رفتم

پی کاروان جدائی

برافراشتم صبح پیراهنت را

صدایت شکوفه زد انبوه و عاصی

به گوش زمانها

پیامت شراره زد از

سرخ‌ی ارغوانها

شقایق شب خونچکان را سر آورد

برآمد شهافتک

با کاروان جرس‌ها

پس از روزگاری ز مردم شنیدم

و آنگاه دیدم

که از سنگلاخ شهابگاه

با پرچم لاله‌ها بردمیدی

از آن سالها روزگاری

گذشته است

چه بسیار دشمن وزید و فروریخت

بر ما

بیفکند، بالابلندان این خاک

بر خاک

شگفتا

که ما همچنان میرویم استوارانه

با نام اندیشه‌ها مان

بر اقصای اقلیم طاعون

بر انجام باران شبنامه‌ها

تا دل شبنم و خون

ناصر نجفی

شهریور ۶۴

مرتضی تات بینایی یک چشم خود را در این حادثه اودست داد.

مطلب به اندازه کافی گویاست. اما نکته‌ای را که خبرنگار روزنامه، سرپسته گذارده و گذشته است ناپیوستن چشم کارگر زحمتکشی توسط عوامل حکومت حامی "مستضعفان" است. فاصله میان حرف و عمل رژیمی که ادعای حمایت از "مستضعفان" را دارد باید از گفتار مشاور وزیر کار و عمل عوامل سرکوبگر ارزیابی کرد.

واقعیت این است که کارگزاران رژیم، خود نیز می‌دانند که هیچ تضمین اجرایی حتی در مورد

اجرای قوانین نیستم بنده وجود ندارد. چه در غیر این صورت آقای نجریشی به شکل و شیوه وصول این "دین ممتاز" اشاره‌ای می‌کرد. و باز واقعیت این است که سرمایه‌داران زالوصفت با تشبث به انواع و اقسام قوانین و آئین نامه‌ها... که توسط همین رژیم بده و تصویب شده، خون کارگران را در شیشه می‌کنند. این خود کارگران هستند که باید در دفاع از حقوق پایمال شده خود متشکل شوند و با تشکیل هسته‌های مخفی کارگری مبارزه علیه رژیم را سازمان دهند.

رژیم از یکسو با وعده‌های پوچ و توخالی می‌کوشد تا کارگران را فریب بدهد و از سوی دیگر با چماق سرکوب پلیس قصابی و دیگر ارگان‌های سرکوبگر خود به مقابله با خواست‌های به حق کارگران این کارخانه و کارخانه‌های مشابه برمی‌خیزد.

تجربشی مشاور وزیر کار و امور اجتماعی اظهار می‌دارد: "کارخانه همین روزها راه اندازی می‌شود و در مذاکراتی که با بنیاد شهید صورت گرفت، بنیاد شهید در مورد خرید و راه اندازی رغبت نشان داده است." وی همچنین اضافه می‌کند که باتوجه به ماده ۲۴ قانون کار، دستمزد کارگران در عداد دیون ممتاز کارفرما بوده و باید قبل از سایر قروض حتی دیون مالیاتی تامین و پرداخت شود (کیهان - ۱۱ آذرماه ۶۴).

جالب توجه این که در همین شماره "کیهان" و طی همین مطلب، علی‌رضاعسگری یکی از کارگران کارخانه مزبور به خبرنگار "کیهان" می‌گوید: "چندروز قبل از سوی پلیس قضایی به این کارخانه مراجعه شد تا اموال کارخانه توقیف شود که با اعتراض کارگران روبرو شدند و حتی یکی از نمایندگان منتخب کارخانه به نام

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل  
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!



## نکاتی پیرامون سه مقوله

## انترناسیونالیسم، ملی، بین‌المللی

حزب ما اصل انترناسیونالیسم پرولتری را یکی از اصول اساسی ایدئولوژیک خود می‌داند. ما کوشیده‌ایم، در تمام دوران ۴۴ ساله حیات حزب، در عمل به این اصل وفادار بمانیم. ما همواره، همچون تمام انترناسیونالیست‌های واقعی، فدائکارانه در تلاش بوده‌ایم تا "جنبش انقلابی و پیکار انقلابی در کشور خویش" را گسترش دهیم و از طریق تبلیغات، ابراز همبستگی و کمک معنوی از همین پیکار و از همین مشی "در تمام کشورها بدون استثناء" پشتیبانی کنیم.

ما نه در پی پنهان داشتن این اصول اعتقادی خود بوده‌ایم و نه از موج مخالف خوانی‌ها و دشمنی‌ها با این اصول هراسی به خود راه داده‌ایم. حتی گامی، هرچند کوتاه به عقب برنداشته‌ایم. پیگیری و ثبات قدم حزب توده ایران در پیروی از اصول انترناسیونالیستی مبارزه خود و کوشش در کاربست آن موجب شده است تا در تمام دوران زندگی سیاسی خویش آماج حملات، تهمت‌ها و افتراءات از سوی دشمنان طبقاتی خود قرارگیریم. هزاران مطلب، خروارها کتاب، پیرامون "بی‌وطنی" توده‌ای‌ها منتشر ساخته‌اند. به کرات پیرامون "وابستگی" حزب توده ایران داد سخن داده‌اند. در کشور ما که جولانگاه جاسوسان انگلیسی و آمریکایی بوده، به قول زنده یاد آیت الله طالقانی "همیشه دنبال جاسوسان شوروی" گشته‌اند. هدف از این همه تبلیغات سوء و افتراءات، پخش اکاذیب و مهملات چیز دیگری جز کوشش در جهت درتنگنا قراردادن حزب توده ایران، تلاش در راه بازداشتن آن از پیروی از این اصول، قراردادن آن در مقابل جبهه صلح و سوسیالیسم در جهان و در نهایت آماده ساختن تبدیل حزب به شهری بی‌یال و دم و اشک نبوده است. این شیوه ارتجاع و امپریالیسم در کنار سرکوب و اختناق وحشیانه، در مقابل با تمام احزابی است که دوستی و برادری بین‌المللی طبقه کارگر و زحمتکش‌ها را بر پرچم خود نوشته‌اند. موعظه ضرورت حفظ "استقلال" در قبال مسکو، از سرخیرخواهی آنان نیست. ارتجاع و امپریالیسم خواهان احزاب "مستقل" نیستند. آنان اصولاً در پی نابودی این احزابند. آنان بذر تفرقه و دشمنی در جنبش کمونیستی و کارگری را می‌کارند، تا تسلط بلا منازع خود در جهان را برقرار کنند. ارتجاع و امپریالیسم در پی آنند تا با طرح این اکاذیب، احزاب کمونیست و کارگری را که پیگیرانه از سیاست انترناسیونالیستی پیروی می‌کنند، در چارچوب ملی از اعتبار بی‌اندازند. آنان انترناسیونالیسم را در مقابل میهن پرستی، و چیزی مغایر و منضاد با آن جلوه می‌دهند، تا با بازی با احساسات میهن پرستانه اکثریت مردم بین آنان و این احزاب دیوار چین بکشند. این

تبلیغات جزئی از جنگ روانی - ایدئولوژیک امپریالیسم و ارتجاع علیه سوسیالیسم جهانی، جنبش کارگری و دمکراتیک و جنبش‌های رهایی بخش ملی است. این امر تنها نمودی از مبارزه حاد طبقاتی است. کردار مقیاس جهانی یکی از شیوه‌های رایج مبارزه جهانی سرمایه علیه کار است. افتادن در این دام یعنی، ریختن آب به آسیاب امپریالیسم و ارتجاع و تضعیف جبهه مبارزه در راه دمکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی در جهان.

نمی‌توان انتظار داشت که این تبلیغات ماسین جنگ روانی - ایدئولوژیک امپریالیسم بی‌تأثیر باشد. اگر چنین بود، جنبش پیشرفت اجتماعی در مقیاس جهانی، امروزه به مراتب در سطح عالی تری از رشد خود فرارداشت. امپریالیسم کومی از امکانات مادی و معنوی را در خدمت القاء ایدئولوژیک توده‌های زحمتکش و حتی صفوف نیروهای مبارز مردمی گرفته است. تأثیر ابداعات این مراکز "اندیشه پرداز" و زرادخانه‌های ایدئولوژیک بر بخش‌های متزلزل جنبش که از آگاهی و استحکام ایدئولوژیک کمتری برخوردارند، باعث آن می‌شود تا این نظرات در درون جنبش نیز رسوخ و به مثابه معضلی عینی قدام کند. وجود چنین بحث‌هایی و طرح نوبتی آن در جنبش، مثلاً مسئله "استقلال احزاب" نیز بطور عمده نتیجه فعالیت مغرب این محافل است. پرداختن به مسائلی از این دست مبارزان را از بررسی مسائل اصلی و واقعی که جنبش در راه پیشرفت خود با آن مواجه است، بازمی‌دارد و به قول معروف "بی‌نخود سیاه" می‌فرستد.

کمونیست‌ها، وظیفه دارند، خود را در مقابل این کارزار گسترده امپریالیستی، از لحاظ ایدئولوژیک تجهیز کنند و به تعرض متقابل دست زنند. این احزاب کمونیست و جنبش دمکراتیک نیستند که باید در مقابل توده‌های مردم "جواب پس دهند". بلکه برعکس امپریالیسم و ارتجاع و شرکایش هستند که باید در دادگاه تاریخ، که توده‌ها حکم قاضی را در آن ایفاء می‌کنند، پاسخگوی ظلم‌ها و تبه کاری‌های خود در حق توده‌های مردم باشند.

اما این مسئله جنبه دیگری نیز دارد و آن تکرار اراجیف ساخته و پرداخته امپریالیسم از سوی نیروها و عناصری است که خود را در طیف جنبش "چپ" و با کمونسی می‌دانند. در کشور ما، حزب توده ایران، به مثابه نماینده جنبش اصیل کمونیستی، به عنوان حزبی که به انترناسیونالیسم پرولتری همواره بطور پیگیر پایبند بوده، هم آماج حملات از راست و هم از "چپ" بوده است. مسئله گروه‌های راست روشن است. آنها به اقتضای منافع طبقاتی خود مخالف خطمی سیاسی، جهان بینی و ایدئولوژی

حزب توده ایران هستند. از آنها انتظاری جز این نمی‌توان داشت. حساب "چپ‌ناها"، به مثابه خرابکاران درون صفوف جنبش نیز روشن است. اما حساب نیروهای صدیق چپ را که شرافتمندانه در جستجوی هویت پرولتری هستند باید از دیگر نیروها جدا کرد. آنان هر چند هنوز در حال "شدن" هستند و تغییر مداوم موضع، چه در جهت تکامل و چه در جهت فهقرا، از ویژگی‌های آنان است و مرکز برای مدب‌طولانی بر موضعی نمی‌ایسند، خود همچون توپخانه متحرکی، به یک هدف ثابت، یعنی حزب توده ایران شلیک می‌کنند. نظر آنها درباره حزب توده ایران، بیشتر بر پیشداوری استوار است، تا داوری بر اساس شواهد عینی و با اسلوب مارکسیستی شناخت. تکرار تهمت "عدم استقلال" حزب از سوی این طیف نیز در همین چارچوب قابل بررسی است. مقابله با این اغتشاشات فکری و تأثیر ایدئولوژیک تبلیغات امپریالیسم از اهمیت جدی برخوردار است. درک غلط از انترناسیونالیسم پرولتری نیز یکی از جوانب این امر است که باید ابعاد و وجوه بنیادی آن به روشنی توضیح داده شود.

\*\*\*

با گسترش و تعمیق روند انقلاب جهانی در دوران معاصر، اهمیت رابطه متقابل میان جوانب ملی و بین‌المللی وظایف جنبش طبقه کارگر نیز افزایش یافته است. جنبش طبقه کارگر هم روند با گسترش و تعمیق خود، اشکال تازه‌ای به خود گرفته و پیوند میان اجزای تشکیل دهنده آن تنگ تر شده است. این امر موجب شده که مسائل سیاسی و تئوریک جدیدی در رابطه با پراتیک و استراتژی مبارزه در مقابل جنبش قرارگیرد.

رابطه متقابل میان جوانب ملی و بین‌المللی یکی از این مسائل است که انترناسیونالیسم پرولتری اساس و بنیاد آن را تشکیل می‌دهد.

در بررسی رابطه متقابل میان ملی و بین‌المللی باید توجه داشت که همین رابطه متقابل محور بررسی و تجزیه و تحلیل قرارگیرد. در این امر باید به روابط عینی میان مقولات (ملی و بین‌المللی)، دیالکتیک آن، تضادهای درونی مبارزه طبقاتی توجه ویژه‌ای را مبدول داشت.

مثلاً زمانی عده‌ای مطرح می‌کنند که کدام یک از این دو، عمده است و کدام فرعی است. برای پاسخ به این پرسش باید گفت:

واقعیت این است که ملت‌ها با اشکال ملی سازماندهی جامعه، با رشد و تکامل ویژه ملت خویش وجود دارند. انترناسیونالیسم عبارت است از رابطه میان جوانب ملی وظایف طبقه کارگر در کشورهای متفاوت. به دیگر سخن، طبقه کارگر در چارچوب ملی سازماندهی شده و مبارزه می‌کند، اما این مبارزه در رابطه با دیگر کشورها از مختصات واحد و منافع مشترکی برخوردار است که از چارچوب ملی فراتر می‌رود و جنبه بین‌المللی به خود می‌گیرد. این مسئله، بدان معنی نیست که امر مشترک و بین‌المللی،



برشد منافع ملی طبقه کارگر و یا بر ضد تحقق رسالت تاریخی طبقه کارگر عمل می‌کند. برعکس، یکی از شرایط تحقق رسالت تاریخی پروولناریا، به دست گرفتن قدرت در چارچوب ملی است. به ویژه بدان خاطر که دشمن، یعنی سرمایه، به عنوان قدرتی جهانی به صحنه می‌آید و فراتر از چارچوب ملی عمل می‌کند.

پس مسئله این نیست که کدام یک ملی یا بین المللی، عمده است، بلکه مسئله بر سر این است که این دو مقوله در ارتباط تفکیک ناپذیر باهم قرار دارند. یکی بدون دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد. اگر شرایط عینی مبارزه و تکامل جنبش کارگری را بررسی کنیم، می‌توانیم چند مورد را به طور عمومی مطرح سازیم.

اول این که، مهمترین عرصه مبارزه کمونیست ها برای سازماندهی زحمتکشان در راه پیکار برای تحقق برنامه اقتصادی - اجتماعی خویش و در نهایت کسب قدرت سیاسی، در چارچوب دولت، ملت و کشور مربوطه است.

سهم واقعی هر کدام از خلق ها، طبقات و با جنبش انقلابی بر این اساس، و از این مهنا در روند انقلابی جهان ادا می‌شود.

کمونیست ها هرگز به ویژگی های ملی کشور خود کم بها نمی‌دهند و نباید بدهند. طبقه کارگر هر آنچه را که در سنن و آداب و دستاوردهای فرهنگی ملت خود مترقی است حفاظت می‌کند و می‌کوشد آن را در راستای تکامل جامعه و ضروریات زمان شکوفاتر سازد. طبقه کارگر پیکیرترین مدافع منافع ملی میهن خویش است. منافعی که بورژوازی قادر است به سادگی برای حفظ مصالح خود از آن به گذرد، میهن پرستی طبقه کارگر و کمونیست ها به هیچ وجه مغایر با انترناسیونالیسم نیست، بلکه مکمل آن است.

دوم آن که، عوامل و شرایط بین المللی هر لحظه اهمیت فزاینده ای در رابطه با مسائل سیاسی و اقتصادی، از جمله در مبارزه حاد طبقاتی که در عرصه ملی در جریان است، کسب می‌کنند و بر آن مستقیماً و بطور قاطع تاثیر می‌گذارند. تمام عرصه های زندگی، بطور قانونمندی در حال بین المللی شدن هستند.

برقراری پیوند منطقی بین عوامل بین المللی و روند دگرگونی ها در عرصه ملی می‌تواند دورنمای پیروزی تحولات اجتماعی را تأمین کند، برای آن امکان های نوین، و یا شرایط مساعد را فراهم کند، یا این که بر عکس سدی در راه این تغییر و تحولات گردد و دامنه آن را محدود سازد. در نظر گرفتن این عوامل هنگام تدوین استراتژی و تاکتیک مبارزه انقلابی از اهمیت درجه اول برخوردار است.

مارکس، در اثر مهم خود "نقدی بر برنامه گوتا" بر این امر تأکید کرده و خاطر نشان ساخته که: "بدیهی است برای این که بتوان مبارزه کرد، باید طبقه کارگر خود را در خانه خود به عنوان طبقه، سازمان داد، و این که داخل کشور صحنه مستقیم مبارزه است... اما "چارچوب" کشورهای ملی کنونی ... خود نیز از لحاظ

اقتصادی در "چارچوب بازار جهانی" و از لحاظ سیاسی "در چارچوب نظام کشورها" است" (کارل مارکس، مجموعه آثار، جلد ۱۹، صفحه ۲۴-۲۳). یکی از انتقادات مارکس به برنامه گوتا سکوت آن پیرامون نقش ویژه بین المللی طبقه کارگر آلمان بود. مارکس می‌گفت: "این گونه می‌خواهد (طبقه کارگر آلمان) با بورژوازی خودی که با بورژوازی تمام کشورها علیه او همدست شده است و با سیاست توطئه گرانه بین المللی بیساری مبارزه کند" (همانجا، صفحه ۲۴).

سوم آن که، بسیاری از وظایفی که پیش روی مبارزان قرار دارد، هم جنبه و ابعاد ملی و هم جنبه و ابعاد بین المللی دارند. بدین معنی که برخی حوادث و رویدادها، تحولات و دگرگونی ها در عرصه های ملی مستقیماً بر اوضاع بین المللی تاثیر می‌گذارند. از تاثیر انقلاب اکتبر بر روند آتی جهان و یا حتی انقلاب در میهن ما، ایران، می‌توان در این رابطه یاد کرد. چهارم آن که، باید خاطر نشان ساخت که

امروزه مسائلی بروز می‌کنند و وظایفی در پیش روی مبارزان انقلابی قرار می‌گیرند که جنبه بین المللی دارند و تنها همکاری نیروها در سطح بین المللی می‌تواند به حل آنها یاری رساند. مثلاً حفظ و تحکیم و تثبیت صلح در جهان و یا در این و یا آن منطقه، تنش زدایی، تحدید مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح هسته ای از جمله این وظایف هستند.

برخی ها در بحث پیرامون این مسئله دچار این اشتباه می‌شوند که مثلاً مقوله "بین المللی را با عام، یکی می‌گیرند و فکر می‌کنند بین المللی یعنی چیزی که عمومیت دارد و یا قانونمند است. یا این که آن را با "عامل خارجی" مقایسه می‌کنند. در رابطه با "ملی" نیز چنین است. آن را با ویژگی کشورها، نقش حوادث در روند تکاملی تاریخ و یا "عامل داخلی" تشبیه می‌کنند. برای روشن تر شدن مسئله، کوشش می‌کنیم تا جوانبی را که مختص هر کدام از این مقولات می‌دانیم، بطور جداگانه مطرح کنیم.

مثلاً در رابطه با مقوله ملی می‌توان جوانب زیر را برشمرد:

- ساختار و شرایط مشخص اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، یعنی مناسبات طبقاتی هر کشور که در روند تاریخ شکل گرفته است، سطح کنونی تکامل آن؛

- فرهنگ مادی و معنوی هر کشور و سنن و ویژه آن؛

- مقام و نقش هر کشور در جهان و در مبارزه طبقاتی در سطح جهان؛

- نیروهای سیاسی و اجتماعی این کشور، رابطه متقابل و مبارزه این نیروها؛

- وظایف، استراتژی، منافع و مسئولیت ملی طبقه کارگر.

در مقابل در رابطه با مقوله "بین المللی" می‌توان شرایطی را که فراتر از مرزهای ملی عمل می‌کنند و فراگیر هستند، همچنین پیوندها، دستاوردها، تاثیرها و وظایف نیروهای انقلابی را

در نظر گرفت. از جمله:

- اوضاع مشخص بین المللی، یعنی تمام آن عوامل بین المللی که بر روند تکامل اجتماعی از جمله در عرصه های ملی و مبارزه انقلابی تاثیر تعیین کننده دارند، سیر، شتاب و پیروزی آن را تسریع و تضمین می‌کنند و یا برعکس فلج و یا سد می‌سازند؛

- مناسبات میان کشورها و ملت ها و تناسب جهانی نیروها، سوسیالیسم و امپریالیسم؛

- تاثیرهای تغییر و تحول ها در کشورهای مختلف بر مبارزه طبقاتی در جهان و تناسب بین المللی نیروها؛

- تمام نکات مشترک در تاریخ بشر، سنن، تجربیات و دستاوردهای مشترک جنبش انقلابی، نکات مشترک در تقویری و پراتیک این جنبش؛

- منافع مشترک جنبش جهانی کارگری، مسئولیت بین المللی و فعالیت های بین المللی طبقه کارگر هر کشور؛

- همبستگی متقابل بین المللی.

هیچ استراتژی نمی‌تواند علمی و مارکسیستی - لنینیستی باشد و هیچ سیاستی نمی‌تواند با پیروزی قرین شود، بدون آن که رابطه متقابل میان عوامل ملی را که بر شمردیم در نظر بگیرد.

ما کمونیست ها، از تجربه ها، آموزش ها و اصول مشترک مبارزاتی فراوانی برخورداریم که آنها را پایه تدوین استراتژی و تاکتیک و تنظیم سیاست خود قرار می‌دهیم. اما این نیز روشن است که نمی‌توان تنها به این آموزش ها، اصول و تجربه ها استناد کرد. باید آنها را با در نظر گرفتن ویژگی ها و شرایط مشخص تاریخی در مبارزه طبقاتی کشور خود انطباق داد و به کار گرفت.

لنین در اثر خود "بیماری کودکی چپ گرایی در کمونیسم" نوشت: "تا زمانی که تمایزات ملی و دولتی میان خلق ها و کشورها برجای هستند...

لازمه وحدت تاکتیک بین المللی جنبش کارگری و کمونیستی تمام کشورها، برانداختن تنوع تمایزات ملی و محو این تمایزات نیست، ...

بلکه بکار بستن اصول بنیادی کمونیسم. به شیوه ای است که این اصول را در جزئیات بدرستی تغییر شکل دهد، با تمایزات ملی و دولتی هر کشور بدرستی دمساز کند و بر آنها انطباق دهد"

(ترجمه فارسی، ص ۵۴). وی در ادامه بر لزوم "بررسی، پژوهش، کشف یا حدس و دریافت خصوصیات ملی و ویژگی های ملی شیوه های برخورد مشخص هر کشور به مسئله بین المللی واحد" برای پیروزی بر امپریالیسم و دکماتیسم چپ روانه و پیروزی در مبارزه علیه بورژوازی تأکید کرده است (همانجا).

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،

از این سخنان لنین می‌توان نتیجه گرفت که ناسیونال نیهیلیسم و نادیده گرفتن رزم بهادان به ویژگی های ملی با مارکسیسم - لنینیسم مغایر است. در عین حال باید متذکر شد این بدان معنی نیست که در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری، در ایدچا و آنچا، در رابطه با این یا آن مسئله،



## در حاشیه رویدادها

سند جنایت رژیم

خامنه‌ای خطاب به مهمانان خارجی گفت:

"در چامنه انقلابی ایران زنی با ۱۱ شهید که شوهر و فرزندان و برادرانش را در راه خداداده است داریم و خانواده‌هایی با ۴ شهید داریم که نظیر آنها کم هم نیست" ("اطلاعات" ۲ بهمن ۶۴).

آیا گویاتر از این می‌توان اعتراف به جنایت کرد؟ در مقابل صدها هزار نفر کشته چه چیزی نصیب توده‌های زحمتکش شده است؟ سران رژیم

## انترناسیونالیسم، ملی، بین‌المللی.

بقیه از ص ۵

اشتباهاتی در تشخیص ویژگی‌های ملی رخ نداده است. اما علت بروز این اشتباهات را باید نه در آموزش‌های مارکسیسم - لنینیسم، بلکه در نقض اصول آن جستجو کرد.

تمام احزاب کمونیست و کارگری جهان مستقل هستند. آنان وظیفه دارند، مستقلاً استراتژی و تاکتیک مبارزه خود را تنظیم و تدوین کنند و در برابر آن مسئولند. موفقیت و یا عدم موفقیت، پیشرفت و یا شکست احزاب کمونیست بسته به سیاستی است که آنان مستقلاً تنظیم کرده و در پیش گرفته‌اند. علی‌رغم آن برخی‌ها می‌کوشند چنین وانمود سازند که تمام موفقیت‌ها و پیشروی احزاب کمونیست و یا به ویژه برخی از آنان نتیجه "استقلال" این احزاب و خط مشی "مستقل" آنان است. و عدم موفقیت و شکست برخی دیگر نتیجه مستقیم "وابستگی" آنان به احزاب کشورهای سوسیالیستی و به ویژه اتحاد شوروی. آنان کوچکترین زحمتی به خود نمی‌دهند تا شرایط عینی و ذهنی را که این احزاب در برابر آن به مبارزه مشغول هستند بررسی کنند و یا توازن نیروها و طبقات را به حساب آورند و یا این که سیاست این احزاب را که به شکست منتهی شده تحلیل کنند. آنان تنها یک چیز را می‌دانند، "استقلال" یا "وابستگی".

در کشورهای اروپای غربی، کوچکترین کاهش تعداد اراک احزاب کمونیست با فریادهای "لزوم دوری از اتحاد شوروی" و یا "کسب استقلال" از آن همراه می‌شود.

هر کدام از احزاب کمونیست، همانطور که خط مشی سیاسی خود را، مستقلاً تعیین می‌کنند در برابر نتایج این سیاست و این مشی نیز مسئولند و نمی‌توانند برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت، آن را متوجه دیگران سازند.

ارزیابی استراتژی و خط مشی طبقه کارگر تنها از نقطه نظر "ملی" و نادیده گرفتن جوانب "بین‌المللی" بی‌شک برای مبارزه طبقه کارگر نتایج سوئی را به همراه خواهد داشت.

بوریس لیپسون، دانشمند شوروی در رابطه با پیوند دو مقوله ملی و بین‌المللی می‌گوید: "اما این بدان معنی نیست که هر اندیشه مبتنی بر

پاسخی ندارند.

## "اسلام انقلابی" و "انقلاب اسلامی"

اخیراً روزنامه ج.ا. در چارچوب تیغ کشی جناح‌ها به روی یکدیگر طی مقالاتی در مورد یازگشت سرمایه‌دارهای فراری و زمین‌داران بزرگ و احکامی که به نفع آنها صادر شده، پرده از برخی واقعیت‌ها برداشت. روزنامه ارگان حزب حاکم چنانکه انتظار می‌رفت خیانت‌های دستگاه‌های قانون‌گذاری و اجرائی و قضائی ج.ا. را "مسأله" قلمداد کرد و اعلام داشت که "مجلس قانون‌گذاری نباید وقت خود را به مناقشات بی‌حاصل یا کم‌حاصل بگذراند و

اصول ناسیونالیستی، هر چند مترقی باشد، حتماً اهمیت بین‌المللی کسب می‌کند. یا این که پیروزی جنبش طبقه کارگر بطور کلی به پیروزی‌های گردان‌های ملی آن بستگی دارد، اما این وابستگی متقابل به این سادگی‌ها نیست... این تکرار که موضوعات بین‌المللی را فقط حاصل جمع موضوعات ملی می‌داند، باعث پربهادان به موضوعات ملی در مبارزه برای جامعه آینده می‌شود." (بوریس لیپسون، وحدت بین‌المللی گردان‌های پیشاهنگ طبقه کارگر، نشر بین‌الملل، ص ۱۲).

قبول این موضع یعنی نفی وجود هرگونه معیار عینی برای ارزیابی سیاست واقعی انترناسیونالیستی این یا آن حزب، یعنی رواج این اندیشه که هرکدام از احزاب خود درباره انترناسیونالیستی بودن یا نبودن سیاست و عمل خود داوری کند.

در سند مصوبه اجلاس مشاوره احزاب کمونیست و کارگری، منعقد در سال ۱۹۶۹ خاطر نشان شده است که اثر بخشی سیاست هر یک از احزاب کمونیست به موفقیت‌های آن در عرصه ملی، به موفقیت دیگر احزاب برادر و سطح همکاری‌های آنان بستگی دارد. هر حزب کمونیست در رابطه با فعالیت خود در برابر طبقه کارگر و خلق خود و همچنین هم‌زمان با آن در مقابل طبقه کارگر بین‌المللی مسئول است. مسئولیت ملی و بین‌المللی هر یک از احزاب کارگری و کمونیستی تفکیک‌ناپذیرند.

دیالکتیک گرایش به بین‌المللی شدن و تنوع پدیده‌های اجتماعی، هرگز نمی‌تواند بدان معنی باشد که یکی به سود دیگری از صحنه خارج شود. دو سوی این وحدت دیالکتیکی همراه با گسترش پیوند میان آنان تکامل می‌یابد. منطبق این وحدت در آن نهفته است که بین‌المللی شدن پدیده‌ها تنها با در نظر گرفتن تنوع آنان میسر است و بالعکس، تنوع را تنها زمانی می‌توان به درستی دریافت، دید و باز شناخت که قانونمندی‌های عمومی آن را از نظر دور نداریم.

وحدت ملی و بین‌المللی در تاکتیک و استراتژی انقلابی، مستلزم برخورد به تمام وظایف ملی و بین‌المللی از موضع طبقه کارگر است. باید تمام عوامل و شرایط مشخص مبارزه طبقاتی در کشور خود را با بهره‌گیری از آموزش

نسبت به مسائل اساسی بی‌توجهی کند". این روزنامه همچنین خواستار مشخص شدن وضع زمین شد. اما همین انتقادهای آبیکی هم به تریش قبای مخالفین برخورد. طباطبائی نماینده زابل در مجلس نویسندگان روزنامه "جمهوری اسلامی" را مورد حمله قرار داد. وی گفت: "آنان به نظر این جانب طالب اسلام انقلابی هستند نه انقلاب اسلامی". و نیز گفت: مجلس کاروان سرا نیست که این گونه توهین شود" ("اطلاعات" ۱۴ بهمن ۶۴).

گوینده در واقع خط بطلان بر ضرورت وجود دیدگاه‌های انقلابی در حاکمیت ج.ا. کشید. بقیه در ص ۷

های سترگ مارکسیسم - لنینیسم بررسی کرده و آن را در تدوین استراتژی و تاکتیک خود در نظر بگیریم.

باید بکوشیم تا اتحاد عمل تمام نیروها را در عرصه بین‌المللی برای حل وظایف عمومی و مشترک، که تنها در مقیاس جهانی قابل حل است تأمین کنیم. باید قادر باشیم تا تمایزات ملی در شرایط مبارزه، و تفاوت در وظایف و منافع انقلابی کشور را از موضع قانونمندی‌های عمومی و ضرورت‌های بین‌المللی، با در نظر گرفتن منافع مشترک جنبش انقلابی طبقه کارگر به حساب آوریم.

ارتباط متقابل جوانب ملی و بین‌المللی وظایف، از دیدگاه منافع طبقاتی کارگران نشان می‌دهد که احزاب کمونیست، که در چارچوب کشور خود متشکل شده و مبارزه می‌کنند، می‌توانند و باید با وجود تمام تمایزات در شرایطی که در آن مبارزه می‌کنند و وظایفی که در پیش روی خود دارند، فراتر از مرزهای ملی عمل کنند و مبارزه خود را در عرصه جهان هماهنگ سازند.

## پایان سخن

سخن خود را با جملاتی از رفیق ژرژ مارش، دبیر کل حزب کمونیست فرانسه، به نقل از سخنرانی وی در کنگره ۲۵ این حزب به پایان می‌بریم. وی گفت:

"چه بخواهیم و چه نخواهیم، مبارزه طبقاتی، مبارزه‌ای است جهانی. ما هم در این مبارزه تماشایی نیستیم. ما فعالان در آن شرکت داریم. ما اگر این واقعیت را که القبای کمونیسم است فراموش می‌کردیم، خود را منفرده می‌ساختیم و از جریان‌های بزرگ در راه آزادی که تمام کره زمین را فرا گرفته و از نیروهای دیگری که علیه امپریالیسم پیکار می‌کنند جدا می‌ساختیم، کار دیگری جز تضعیف مبارزه خودمان نکرده بودیم. مهمتر بدین خاطر که استراتژی ما، اگر چه از واقعیت فرانسه برمی‌خیزد: بز تحلیلی از تناسب بین‌المللی نیروها استوار است که امکان راه مسالمت آمیز و دمکراتیک به سوی سوسیالیسم را ممکن ساخته است." (اسناد کنگره ۲۵ حزب کمونیست فرانسه به زبان آلمانی، چاپ ج.ا.د. ۷۸، صفحه ۷۸).



## چه گفتند و چه می کنند!

- اطلاعات ۶۰/۲/۱۲ (خمینی): کارگران و کشاورزان ستون فقرات کشور و انقلاب اند.  
- صدی ج. ۱۰۰/۲۹ (فخرالدین حجازی): باید بگویم که هنوز کارگری داریم محروم، دردمند، بیمار، گرسنه، بی مسکن، کارخانه داری داریم سرمایه دار... کشاورزی داریم بدون داشتن یک وجب زمین، مالکی داریم با بیش از ۱۰۰ هزار هکتار زمین.

- ۵۷/۶/۲۲ (خمینی): فکر این زاغه نشین ها، فکر این مردمی که همه چیزشان را دادند و شمارا به مسند نشاندند بکنید.

- کیهان ۶۴/۶/۲۷ (کروبی): باید اذعان کنم که ما تا به حال در این انقلاب برای مردم کاری نکرده ایم. کدام مشکلات مردم را حل کرده ایم؟ آیا توانسته ایم برای آنان رفاه نسبی به وجود بیاوریم؟ هنوز مشکلات اساسی و بنیادی مردم باقی مانده و حل نشده است.

- ۵۷/۲/۲۷ (خمینی): امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور- در رأس برنامه ما قرار گیرد و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرح های جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود.

کیهان ۶۴/۸/۱۴ (اردبیلی): ما شعار می دهیم که حکومت ما حکومت مستضعفین است. یعنی ما باید به نفع مستضعفین کار کنیم؟

- ۶۴/۷/۱۴ (نماینده بندرعباس): وجهه مجلس این نیست که پیست های اسکی را از فلان دستگاه بگیرد و به فلان دستگاه بدهد... وظیفه نمایندگی ما تنها حضور در پارلمان، قیام و قعود آن در لویج و طرح هایی که بسیاری از آنها دردی از ملت را دوا نمی کند نیست...

- (خمینی): حقوق مردم محروم که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند به محرومین باز پس داده می شود.

- ۶۴/۲/۲۲ (فخرالدین حجازی): اراضی را از زارعین محروم و کارخانه ها گرفته اند و می گیرند و به همان مالک قبلی می سپارند.

- پیام نوروزی ۱۲۵۹ (خمینی): سند دست های پینه بسته روستائیان است نه کاغذهای جعلی...

- کیهان ۶۴/۲/۲۲ (استاندار خوزستان): فئودال ها و شیوخ در بعضی مناطق به اراضی کشاورزان تعدی کرده و آنها را بیرون می کنند و با همان اسنادی که در گذشته به نام خودشان ثبت کرده اند در مراجع قضائی خود را تبرئه می کنند.  
- ۵۷/۱۰/۲۸ (خمینی): این حداقل حقوق هر فرد است که باید مسکن داشته باشد... هیچ کس در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد.  
- اطلاعات ۶۴/۱۰/۲۰ (وزیر مسکن): به علت یک سری شعارهای غلط به این دیدگاه کمک کردیم که هر کسی باید صاحب یک خانه شود.

- صدی ج. ۱۰۰/۲/۲۵ (وزیر مسکن): حدود ۲ میلیون خانوار نیاز به مسکن دارند.

- ۵۷/۸/۱۶ (خمینی): آنچه که مسلم است این است که آن قشر مستضعف بیشتر مورد نظرشان باشد آن حاشیه نشین های اطراف تهران آن زاغه نشین ها و آن چادر نشین های اطراف...

- کیهان ۶۴/۴/۲۰: بیش از ۲۰۰ واحد مسکونی غیر مجاز (۱) روبروی کوره های فرسوده آجرپزی فیروزآباد شهرری به وسیله ماموران شهرداری مناطق ۲، ۱۲ و ۶ تهران و با حضور ماموران انتظامی تخریب شد... یک شاهد عینی... اظهار داشت: "با چشمان خود دیدم که ماموران تخریب بدون توجه به این که اهالی منطقه در منزل هستند یک دستگاه واحد مسکونی را خراب کردند."

- (خمینی): تمام فریادهای خود را بر سر آمریکا بکشید.

- ۶۲/۱۱/۱۵ (رفسنجانی): در مورد (شعار) مرگ بر آمریکا، ما واقعا مایل نیستیم که فحاشی کنیم. چیزهایی است که آدم خوش نمی آید که دایما به دیگران فحش بدهد.

- ۵۹/۵/۱۲ (خمینی): ما در مقابل آمریکاتا آخر ایستاده ایم و نخواهیم گذاشت آمریکا برگردد.

- کیهان ۶۴/۵/۲۷ (رجایی خراسانی): انگلیسی ها زودتر به واقعیت انقلاب (به خوان رژیم ج. ۱۰۰) پی بردند و حدود سه سال و نیم و یا چهار سال پیش به این مسئله در مجامع داخلی خود اعتراف کردند... که به جای آن که با آن (ج. ۱۰۰) برخورد کنیم، کنار بایسیم... آمریکایی ها هم دقیقاً متوجه این نکته شده اند و خیلی وقت است که امیدوارند به نحوی از انحاء ما را به طرف خودشان دعوت کنند.

- اطلاعات ۶۴/۲/۸ (رفسنجانی): ما نمی خواهیم تا ابد روابطمان با آمریکایی ها بد باشد ولی آمریکایی ها باید پیش قدم باشند و زمینه به وجود آید.

- کیهان ۶۱/۵/۱۲ (خوئینی ها): جرات نمی کنند بگویند آمریکا خیلی هم بد نیست اما ته دل شان همین است. اگر ببینند می شود گفت از همان خیلی بد شروع می کنند، کم کم می گویند بد نیست. بعد می گویند خیلی خوب است.

- ۵۷/۲/۱۶ (خمینی): در جامعه ای که ما به فکر استقرار آن هستیم مارکسیست ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود!

- ... (قضاوت با خود خوانندگان گرامی)!  
- ۵۷/۲/۱۷ (خمینی): من هر روز که از این انقلاب می گذرد توجه به این معنی بیشتر پیدا می کنم که ملت ما انقلابی عمل کردند و ما نکردیم و ما یا مقصریم یا قاصر و در هر دو جهت در پیشگاه ملت باید جواب بدهیم.

- نتیجه: توبه گرگ مرگ است، توبه دیکتاتور چوبه دار!

## در حاشیه رویدادها

بقیه از ص ۶

انقلاب اسلامی " در واقع همان است که آقای طباطبائی می فرمایند. انقلابی که " مالکیت را محترم می شمرد " و منافع غارتگران اجتماعی را مقدم بر منافع خلق می داند.

آیا تو هر آنچه می نمایی هستی؟

رفسنجانی در دیدار با جمعی از پرسنل شهربانی مسائلی را بیان داشت که تکرار آنها برای مقایسه عملکرد رژیم گذشته و کفونی بی ثمر نیست: " مردم در رژیم گذشته خود را از مسئولان کشور جدا می دانستند و بسیاری از روشنفکران از هرگونه تحول در وضعیت کشور مایوس شده بودند "

" رژیم گذشته تهران را به شمال و جنوب تقسیم کرده بود. در شمال خوشگذران ها و خارجی ها در شرایط خوب زندگی می کردند و جای پای خارجی ها در ارتش، ژاندارمری، نفت، ساواک، صنایع غیر نظامی و همه جا دیده می شد. "

" با پول نفت برای یک طبقه خاص همه چیز فراهم می شد و افراد وابسته به این طبقه به دلخواه ارز خارج می کردند و تا جایی که می خواستند جنس وارد می کردند. "

" بعضی ها دلشان را خوش کرده بودند که صنعت جای صادرات نفت را خواهد گرفت، اما در حقیقت صنعت وارد مملکت نمی شد، بلکه قطعه هایی وارد می شد و ترکیب می شد و هزینه تامین آن هم به صدور نفت نیاز نداشت... اگر نفت و ارز نبود، وارد نمی شد، این هارز وارد مملکت نمی کردند بلکه ارز خور بودند... "

(اطلاعات " ۱۵ بهمن ۶۴ ).  
در درستی این سخنان جای تردیدی نیست. رژیم جنایت کار پهلوی از هیچ ستمی در حق مردم ابا نمی کرد. اما آیا مگر نه این است که رژیم ج. ۱۰۰ نیز همان راهی را در پیش گرفته است که رژیم پیشین طی کرده بود؟ رفسنجانی در واقع می خواهد خلاف این واقعیت را القاء کند و این که گویا در رژیم " ولایت فقیه " وضع دیگری حکم فرماست. قضاوت آن به عهده خود مردم.

جلوه ای از عدالت " اسلامی " !

وزیر امور اقتصادی و دارایی:

" غیر از حجم درآمدهای مالیاتی/ ترکیب درآمدهای مالیاتی هم در کشور ما متناسب نیست، بطوری که در سال ۶۴ نسبت میزان مالیاتی حقوق بگیران به کل مالیات های دریافتی ۱۸ درصد بوده ولی در همین سال نسبت مالیات مشاغل به کل مالیات های دریافتی ۵/۷ درصد بوده است. "

" میزان مالیات حقوق بگیران نسبت به جمع

بقیه در ص ۸

پخش و تکثیر " نامه مردم " در داخل کشور وظیفه هر عضو و هوادار حزب است!



## نگاهی به رویدادهای جهان مقاومت پشتون ها در برابر حملات ارتش پاکستان

اخبار رسیده از پاکستان حاکی از آن است که مقاومت قبائل پشتون در برابر حملات نظامی ارتش پاکستان افزایش می یابد. پشتون ها، ستاد نیروهای نظامی پاکستان در ناحیه چمرود را مورد حمله قرار داده و ضربات سنگینی به آنها وارد آوردند.

قوای نظامی پاکستان که با همکاری ضد انقلابیون افغانی مناطق مسکونی پشتون ها را مورد حمله قرار داده اند طی هفته های اخیر عده زیادی از زنان، کودکان و پیرمردان را به قتل رسانده اند. پشتون ها در پاسخ به این جنایت رژیم پاکستان و دست نشانندگان آن در حمله ای به پیشاور بیش از ۲۷ نفر از ضد انقلابیون افغانی را به هلاکت رساندند.

تجاوز مسلحانه ارتش پاکستان در منطقه کوهستانی خیبر خشم و نفرت قبایل مختلف پشتون را برانگیخته است. در جلسه "جرگه" که اخیراً تشکیل شد سران قبایل، رژیم پاکستان را محکوم ساخته و اعلام کردند که این رژیم در پاسخ به خواست قبایل پشتون دایره به قطع عملیات جنایت کارانه باند های تربیت شده در پاکستان برای خرابکاری در افغانستان، به ترور بی سابقه ای در منطقه دست زده است.

سران قبایل پشتون اعلام کردند که جنگ با ارتش پاکستان را ادامه خواهند داد.

## فرانسه: جمع تازه ای از شخصیت های علمی و اجتماعی به کارزار همبستگی با زندانیان سیاسی ایران پیوستند

جمهوری اسلامی به "اعدام بی رویه زندانیان سیاسی در ایران که یگانه جرم آنها وفاداری به خلق و مبارزه در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است، پایان داده شود".

شخصیت هایی که برپای نامه فوق امضاء گذارده اند، عبارتند از: ژرژ فرش (شهردار شهر مون پلیه و نماینده پارلمان)، پرفسور ژاک روکن (کاشف واکسن تب مالت و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه)، مورس وردیه (روشنامه نگار و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه)، لوی کیرکشاریان (وکیل و رئیس جامعه وکلای مون پلیه)، دکتر ژان اوپرتی (استاد دانشگاه)، ژان کاردونل (یکی از مسئولین جنبش صلح)، پرفسور ژان انتونینی (رئیس جامعه حقوق بشر در مون پلیه)، ژ. پ. اندرال (دبیرکل سندیکای ت. ژ. ت. در استان ارو فرانسه)، پرفسور هنری وهر (استاد دانشگاه و یکی از مسئولین جنبش صلح)، آلبرت گیاره (اسقف) و مسئول سندیکای ت. ا. ف. د. ت در مون پلیه.

در پی اعلام صدور احکام اعدام و همچنین انتشار خبرهای مربوط به شهادت شماری از توده ای ها و فدایی های دربند، احزاب و نیروهای مترقی و شخصیت های اوادپخواه ضمن محکوم کردن تبهکاری های رژیم ج. ا. م. هبستگی خوش را با حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکتربت) تشدید کرده اند.

از جمله اخیراً یازده تن از شخصیت های علمی و اجتماعی فرانسه با امضاء گذاردن بر پای نامه ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد، خواستار تلاش های همه جانبه خاور پرز دوکویار برای پایان بخشیدن به بساط آزادی شکنجه و شکنجه در ایران شده اند. نامه یاد شده چنین آغاز می شود:

"جناب آقای دبیرکل سازمان ملل متحد! دولت ایران، علیرغم امضای "مقاله نامه" بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" با پایمال سازی حقوق بشر، زندانیان را شکنجه می کند و همه آزادی های سیاسی، مذهبی، اندیشه و گفتار و گردهمایی را نادیده می گیرد".

امضاء کنندگان نامه ضمن آن که "نگرانی خود را از اعدام های پر شمار" و "عدم برگزاری محاکمه های عادلانه و همخوان با موازین بین المللی" اعلام داشته اند، از دبیرکل سازمان ملل خواسته اند تا از طریق تماس فوری با مقامات

### در حاشیه رویدادها

بقیه از ص ۷

هزینه های عمرانی و طرح های ملی و نوسازی در سال ۶۳ حدود ۵/۶ درصد بوده است. در حالی که در همین سال نسبت مالیات صاحبان مشاغل به هزینه های عمرانی و طرح های ملی و نوسازی ۱/۸ درصد می باشد که این رقم بسیار اندک است. زیرا صاحبان مشاغل از حقوق بگیران درآمد بیشتری دارند. لذا در طرح های عمرانی و ملی کشور باید مشارکت بیشتری داشته باشند. ولی می بینیم که مطابق آمار میزان مشارکت آنان از حقوق بگیران به مراتب کمتر است" (اطلاعات ۱۶ بهمن ۶۴).

بدین ترتیب در حالی که "صاحبان مشاغل" که بخش مهم آنها را کلان سرمایه داران به ویژه تجار بزرگ تشکیل می دهند، تحت لوای حاکمیت "ولایت فقیه" با دزدی از کیسه مردم به ثروت های کلان دست می یابند کمتر از یک سوم حقوق بگیران مالیات پرداخت می کنند و در حالی که بیشتر اشراف شهروندی از امکان های عمرانی و نوسازی استفاده می کنند سه برابر کمتر از کارمندان و زحمتکشان مالیات بده در تامین هزینه های عمرانی و ... می پردازند. در واقع هم از توبه می خورند و هم از آخور. به این می گویند عدالت اسلامی!

### جلوه هایی از "دمکراسی غربی"

های امنیتی و پلیس است.

تصویب این قانون با خصلت ارتجاعی و استبدادی نظام سرمایه داری مطابقت دارد. تشدید بحران اقتصادی - اجتماعی، دست نشانندگان انحصارها در حاکمیت را بیش از پیش به گرایش به راست در سیاست سوق می دهد.

در همان روز در مجلس آلمان غربی مذاکره پیرامون تغییر ماده ۱۱۶ قانون کار صورت گرفت. در شرایط کنونی طبق این ماده در صورت اعتصاب کارگران، حقوق آنها را اداره کار می پردازد. اما با تغییر این قانون می خواهند اتحادیه های کارگری را موظف به پرداخت حقوق اعتصاب کنندگان بکنند.

در صورت تصویب این قانون، حق اعتصاب از کارگران عملاً سلب خواهد شد. زیرا هیچ اتحادیه ای توان مالی آن را ندارد که در صورت وقوع اعتصاب های بزرگ، حقوق کارگران اعتصابی و نیز حقوق آن بخش از کارگرانی را که به دلیل شرکت در اعتصاب از کار اخراج می شوند، تامین کند.

پارلمان بلژیک قانونی را مورد بحث و بررسی قرارداد که طبق آن دولت مجاز است زیر پوشش "مبارزه با تروریسم" مکالمات تلفنی و تلگرام های شهروندان را کنترل کند. به عبارت دیگر پلیس و ارگان های امنیتی زندگی خصوصی مردم را تحت نظارت کامل خود قرار خواهند داد.

هم زمان با پارلمان بلژیک، بوندستاگ (پارلمان آلمان فدرال) چهار طرح از هفت طرح قانون به اصطلاح "امنیت داخلی" را به بحث گذاشت. سوسیال دموکرات ها و "سبزها" مخالفت خود را با تصویب این قانون اعلام کردند و آن را "بورش گسترده به آزادی و حقوق ملت" نامیدند.

سخن کوی سوسیال دموکرات ها این قانون را "قانون تعقیب توسط پلیس مخفی" نامید. به عقیده سخنگوی سبزها این کار عبارت خواهد بود از تصویب "قانونی درباره وضعیت فوق العاده اما برای به کارگیری روزانه"

درواقع سخن بر سر تشدید تدابیر جاسوسی علیه شهروندان، نظارت بر زندگی خصوصی آنها و تحکیم "همکاری" میان هیئت حاکمه، ارگان

NAMEH  
MARDOM  
No. 90

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

26 February 1986

بیاموزیم - افشاکنیم - سازمان دهیم